

بازنمایی معنا و تجربه خالکوبی در میان زنان جوان

حسین افراسیابی*

طاهره شریعتی نسب**

چکیده

خالکوبی ریشه در آیین‌های کهن دارد که در دوره‌های مختلف در معنای مناسب گذار، کنش زیباشناختی و هویتی استفاده شده است. نوشته‌ها و نقوش خالکوبی دال بر بازنمایی معانی مختلف از بدن است. پژوهش حاضر در جست‌وجوی دلایل و تفسیر زنان از اقدام به خالکوبی است. در این پژوهش از روش نظریه داده بنیاد برای اجرا و تحلیل داده‌ها استفاده شد. مشارکت‌کنندگان این پژوهش را ۱۲ نفر از زنان ۱۹ تا ۳۶ سال شهر یزد هستند که با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند به روش در دسترس انتخاب کردیم. متن مصاحبه‌ها را از طریق کدگذاری باز، محوری و گزینشی تحلیل و در قالب هفت مقوله اصلی سازماندهی کردیم. این مقولات شامل: معنابخشی، لذت‌جویی، بیان خویشتن، بدن هنجارمند، تأثیر همجواران، بخش‌های رؤیت‌پذیر و منع عرف و سنت است. در نهایت با یکپارچه‌سازی مقولات اصلی، مقوله نهایی را با عنوان «خودتعیین‌گری هنجارشکنانه» ساختیم.

کلیدواژه‌ها: خالکوبی، تنو، زنان، بدن، خودتعیین‌گری، مصورسازی بدن

* دانشیار جامعه‌شناسی، دانشگاه یزد (نویسنده مسئول)، hafyasiabi@yazd.ac.ir

** کارشناس ارشد جامعه‌شناسی، دانشگاه یزد، shariati30@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۸/۲۷، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۴/۱۱

۱. مقدمه

بدن، سازه‌ای چند بعدی، مسأله‌ای بنیادین در زندگی انسان و امری رازواره است که خوانش آن در سراسر تاریخ اندیشه به عنوان موضوع ثانویه در حاشیه‌ی فلسفه و اخلاق قرار داشته است. در دوره‌های پیش از مدرن، مقوله‌ی بدن در حوزه معرفت مورد مطالعه قرار نمی‌گرفت، بلکه در حوزه‌های سطحی و عوام‌انگارانه طبقه بندی می‌شد. این در حالی است که بدن برای انسان همیشه کانون اندیشه و تجربه زیستن، زبان کنش، بیان عواطف و برخورد با درد بوده است.

بدن که در زمینه اجتماعی و فرهنگی شکل می‌گیرد، عاملی است نشانه‌ای، که از خلال آن رابطه انسان با جهان بیرون واقعیت می‌یابد. بدن عمدتاً یک پدیده بدیهی به نظر می‌رسد، در حالی که ماده‌ای ساده نیست، بلکه حامل تبیین اجتماعی و فرهنگی است (Le Breton, 1392). در این میان پوست، به عنوان پوششی که شخص را فرا می‌گیرد مرزی است زنده میان درون و بیرون که انسان با طراحی و آرایش آن می‌خواهد توانایی خود را در موجودیت فردی و جمعی مطلوب ابراز کند.

خالکوبی یا تتو (Tatau)، آرایش و هنر بدن، نمونه‌هایی کهن از تعاملات با بدن است که با نمادین ساختن نمایش بدن و فراهم آوردن نوعی مدیریت بدن، آن را از امر زیستی صرف به طغیان اجتماعی و ستیزی گفتمانی مبدل ساخته است (فکوهی، ۱۳۹۲). در گذشته و قبل از شکل‌گیری گفتمان‌های تأدیپ‌کننده و تنظیم‌کننده بدن، خالکوبی به عنوان بخشی از مناسبات اجتماعی جامعه و بازنمایی بدن و ساختارهای زیبا شناختی به حساب می‌آمد (قادرزاده و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۶۲) در اکثر متون فرهنگی پیرسینگ (Piercing)، تیغ زنی (Scarification)، حجاری کردن بدن (Body sculpting)، تتو و صورت-های دیگر تغییرات بدنی دائمی نشان دهنده سرسپردگی، پایگاه و هویت‌های پایدار است. (Sanders, 1991: 147) مردها معمولاً خالکوبی را نمادی عمومی که به وسیله‌ی آن هویت خود را در تعاملات اجتماعی بروز می‌دهند به کار می‌گیرند و بیشتر آن را بر دست و بازوان خود حک می‌کنند. اما زنان همچنان که در گذشته نیز مرسوم بوده طرح‌هایی متفاوت از نقوش را در بخش‌های مختلف بدن به کار می‌برند (Sanders, 1991: 151-152). در گذشته، زنان خالکوبی را با انگیزه‌های درمان نازایی (در اجساد و مومیایی‌های باستانی، محل خالکوبی‌ها مختص طب فشاری و سوزنی است. در مورد درمان نازایی چه در مردان و چه در زنان نقاطی از بدن از جمله بین دو ابرو، بالای معده که در مرد یخی هم وجود

دارد، روی پا، کمر، لگن و ... خالکوبی شده‌اند که جهت درمان نازایی از طریق تحریک دستگاه عصبی-هورمونی، افزایش جریان خون به اندام‌های تولید مثل، بهبود عملکرد لگن، تحریک تولید اسپرم و ... است)، شفا بخشی، دور کردن چشم زخم، تمایلات جنسی و تأکید بر زیبایی منحصر به فرد به کار می‌برند (بهزادی، ۱۳۶۸؛ Sanders, 2008).

در سال‌های اخیر گرایش به خالکوبی در میان زنان افزایش پیدا کرده است. اکثر پژوهش‌های صورت گرفته در این زمینه معتقدند که گرایش روز افزون زنان به خالکوبی صرفاً یک مد است که در قسمتی از جامعه غرب تولید شده و در بخشی از جامعه ما تقلید می‌شود (خاتون، ۱۳۸۷: ۴۵). یا می‌تواند به صرف لذت بردن از آن صورت گیرد که حاکی از خود شیفتگی افراد است. آن‌ها این گرایش روز افزون را در حیطه زیبایی شناسی که از وجه مادی به وجه فرهنگی در حال گذر است و یا زمینه‌های روانشناسی قلمداد کرده‌اند. اما در جامعه‌ای چون ایران می‌توان گفت مسأله گرایش روز افزون دختران و زنان به خالکوبی دلایل گوناگونی دارد. خالکوبی نوعی کنش است و حامل بار معنایی فردی و اجتماعی است که باید در حوزه جامعه‌شناسی در جست‌وجوی تفاسیر و بازنمایی‌های زنان از این نشان‌های خاص بود. با توجه به عدم قطعیت (در زمینه اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی) موجود در جامعه و سرایت آن به همه ابعاد زندگی، فضای احساسی زنان جوان نیز به سرعت در حال تغییر و دگرگونی است، پس این امکان وجود دارد که آنان در عرض مدت زمان کوتاهی به حک انواع مدل‌ها و طرح‌های متنوع از خالکوبی اقدام کنند و آنچه در این میان از دست رفته، سلامت، انرژی و زمان زنان پرشور و شوریده امروز است. بسیاری از زنان پس از مدتی که تمایل به تغییر طرح خالکوبی داشته باشند برای پاکسازی آن متحمل هزینه‌های بسیاری می‌شوند و از لحاظ سلامتی نیز حساسیت‌های پوستی و عفونت‌هایی را به همراه دارد. بسیاری از این خالکوبی‌ها نیاز به ترمیم دارند که از لحاظ زمانی نیز هزینه‌هایی در بردارد.

اهمیت خالکوبی در خودبیانگری و بیان هویت است و از آنجا که تصویر ذهنی فرد از بدن خود متأثر از زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه‌ای است که در آن زندگی می‌کند، خالکوبی می‌تواند جلوه‌ی بیرونی او را به واقعیت درونی‌اش نزدیک‌تر سازد که بر ماهیت روابط اجتماعی او می‌تواند تأثیرگذار. در این پژوهش ما بر آنیم که با رویکردی تفسیری دیدگاه زنان در مورد خالکوبی و انگیزه‌ها و دلایل آنان از اقدام به خالکوبی و معنایی که به آن نسبت می‌دهند را بررسی کنیم.

۲. پیشینه تحقیق

پژوهش های صورت گرفته در مورد خالکوبی (تو) به چند حوزه تقسیم می شود: آسیب شناسی، روانشناسی، زیبا شناسی، ریشه یابی فرهنگی و اجتماعی که در پژوهش های ایرانی و غیر ایرانی نمونه های متعددی از این مطالعات وجود دارد. البته شایان ذکر است که دسته ای دیگر از این پژوهش ها صرفاً به توصیف و تعریف و دسته بندی نقوش و طرح ها می پردازند که بیشتر در میان مطالعات غیر ایرانی نمود یافته است.

مرادی (۱۳۹۶) در تحقیق بین ۳۵۰ نفر که دست کم یک بار اقدام به خالکوبی کرده اند، نتیجه می گیرد که بین انگیزه های خالکوبی و میزان عزت نفس، محرومیت نسبی، وضعیت تأهل، طبقه ی اجتماعی، سطح تحصیلات رابطه وجود دارد. مهرابی و همکاران (۱۳۹۵) از پژوهشی که بین ۲۲۳ ورزشکار دارای خالکوبی انجام دادند به این نتیجه دست یافتند که عامل ابراز هویت با اهمیت ترین عامل و عامل انتقال پیام به عنوان کم اهمیت ترین علت انگیزشی و دلایل خالکوبی ورزشکاران است. تحقیقی که صرامی (۱۳۹۵) در آن به جست و جوی معنا از منظر هنرمند و مخاطب این هنر پرداخته حاکی است که نقوش خالکوبی و ایجاد آن ها بر بدن ضمن برخورداری از ارزش زیباشناختی و ویژگی های تزئینی در ساختار فرهنگی و اجتماعی جامعه ای چون ایران، می تواند بر آمده از تمایلات فردی چون تمایل به زیبایی باشد و مهمتر آن که، دارای معنای نمادینی است که از مناسبات اجتماعی چون تمایلات گروهی و آیینی و بافت فرهنگی و تاریخی ویژه ی جامعه تأثیر پذیرفته و بر آن ها تأثیر می گذارد. قادرزاده و همکاران (۱۳۹۳) نشان می دهند که خالکوبی از یک نمایش نابهنجار به مسأله ای بنیادین در بیان خود بازتابنده و هویت نوین تبدیل شده است. فکری بارکو سرائی (۱۳۹۳) در پژوهشی به ارتباطی مستقیم بین سبک زندگی، رفتار مجرمانه و خالکوبی دست یافته و معتقد است خالکوبی های زندانیان و افراد بزهکار به شدت ناشی از یک طغیان شخصیتی متأثر از سبک زندگی است که به یک رفتار مجرمانه یا انحراف از ارزش های اجتماعی منجر می گردد.

در پژوهش های غیر ایرانی به خالکوبی زنان در حوزه های مختلف توجه عمیق شده است. لیدر (Leader, 2016) معتقد است که خالکوبی به عنوان یک تجربه ی فرهنگی مشترک است نه به عنوان نشانه های تمایل جنسی یا مد. فرمن و همکاران در مطالعه ای با توجه به یافته های تحقیق پیشین خود (۲۰۰۶) در مورد روش های خالکوبی میان دانشجویان کالج نشان می دهند که نگرانی های بهداشتی، والدین، همسالان و به ویژه

مضرات اجتماعی عوامل تأثیر گذار در تصمیم دانشجویان کالج به خالکوبی است. در پژوهشی با عنوان «تتو و خویشتن» مان و همکاران به (Firman, et al., 2012) بررسی گرایش روزافزون زنان به تتو پرداخته اند در این تحقیق مشخص شد که تتو برای زنان حامل بار معنایی مختلف از جمله پیوند به خود، حوادث زندگی، روابط و معنویت است. سانتوس (Santos, 2009) در مطالعه ای بیان می کند که بدن شیکانا (Chikana) به عنوان یک بوم بر عامل اجتماعی که تحت تأثیر زمینه ی اجتماعی است دلالت می کند و این که چگونه شیکانا ها به انتظارات هنرمندان خالکوبی مردانه از چگونگی مفاهیم زنانگی، طبقه، قومیت و امیال جنسی پاسخگو هستند. براون برگر (Braunberger, 2000) در تحقیقی درباره طغیان و عصیان زنان با استفاده از حضور بدن معتقد است که نمی توان خطراتی را که زنان در خالکوبی می پذیرند را تنها از لحاظ یک انقلاب زیبایی شناختی برای آنان تبیین کنیم. پژوهش های صورت گرفته دال بر اهمیت جهانی کنش شناختی اجتماعی خالکوبی (تتو) است و نشان دهنده ی گرایش زنان به این امر می باشد. در تحقیقات صورت گرفته در ایران به این که این کنش از دید زنان چه معنایی دارد کمتر توجه شده است. بیشتر پژوهش ها نیز به روش کمی انجام شده که در واکاوی عمیق زمینه های اجتماعی خالکوبی بازمانده اند از این رو نیاز به مطالعه کیفی جامعه شناختی محسوس است.

۳. مبانی نظری

در بررسی تاریخی خالکوبی باید گفت مواردی از خالکوبی غیر ارادی در میان کارگران صنعتی و سایر کارگران دیده شده است که آنها تصادفاً ضمن حمل ذغال یا مواد رنگی دیگر، خراشی به بدن خود وارد آورده اند و در نتیجه علامتی از آن به جای مانده است. بشر نخستین نیز ممکن است بر اثر تصادف مانند فرو رفتن خاری در دست او به هنگام روشن کردن آتش، یا فرو رفتن تراشه ی چوبی نیم سوخته به انگشتان به فکر خالکوبی افتاده باشد. اثری چنین غیر عادی شاید حس کنجکاوی را برانگیخته و او را بر آن داشته است که دست به تقلید بزند. اسپنسر (Herbert Spencer) عقیده دارد که خالکوبی از این رسم ناشی شده که بعضی افراد به ارواح اشخاص متوفی خون تقدیم می کردند و علامتی که بدین ترتیب باقی می ماند حاکی از انقیاد نسبت به آنها یا پیوستگی نزدیک به آنها بوده و در بسیاری از موارد به صورت علائم قبیله ای در می آمد. کسب اطلاع دقیق در باره ی آغاز تاریخ خالکوبی تقریباً محال است. خالکوبی به زبان انگلیسی Tatuing نامیده می شود

که از کلمه‌ی تاتو Tatu یا Tattoo اقتباس شده که به معنای علامت‌گذاری یا سوراخ کردن پوست است و آن را از کلمه‌ی Tatau، که در زبان تاهیتی وجود دارد گرفته‌اند. جهانگرد معروف انگلیسی ناخدا جیمز کوک که در سال ۱۷۶۹ در جنوب شرقی آسیا مشغول اکتشافات بوده ضمن دیداری از تاهیتی حین مشاهده‌ی این عمل توسط بومیان، آن کلمه را به کار برده است (بهزادی، ۱۳۶۸ : ۱۹۴).

در لغت نامه‌ی دهخدا تتو مقابل واژه‌ی خالکوبی آمده است: « عملی است که بدان بشره‌ی آدمی را نگارین کنند به صور گل‌ها و یا حیوان و یا حروف و آن به وسیله‌ی آجیدن بشره با سوزن و نیل پاشیدن به جای آجده باشد. معادل این کلمه « کبود زدن » و کلمه‌ی عربی « وشم » است. در ادبیات فارسی نیز از خالکوبی سخن به میان آمده است که نکته‌ی جالب آن این است خالکوبی نه به عنوان نماد فردیت بلکه طرد فردیت تا رسیدن به « غیر » مطلوب است. خالکوبی با نام « کبود زدن » در داستان کبودی زدن قزوینی در دفتر اول مثنوی مولانا بیان شده است که کل داستان در ۳۲ بیت از بیت ۲۹۸۱ شروع و تا بیت ۳۰۱۲ خاتمه می‌یابد. درباره‌ی مأخذ این داستان استاد فروزانفر در کتاب شرح مثنوی شریف نوشته‌اند که مأخذ آن مشخص نیست. این داستان نشان دهنده‌ی این است که رسم خالکوبی در بین مردان طبقه‌ی خاص (پهلوانان) ابزاری برای ابراز قدرت و مردانگی بوده است نه یک نماد زیبایی‌شناختی. فرهنگ لغت میریام وبستر سابقه ورود این واژه به زبان انگلیسی را ۱۷۷۷ میلادی ثبت نموده و آن به معنای تصاویر و نوشته‌های رنگی بر سطح بدن با سوزن و جوهر تعریف شده است.

قدیمی‌ترین جنازه‌ای که آثار خالکوبی روی بدنش دیده می‌شود، انسانی است که ۵۳۰۰ سال پیش در دوره‌ی نو سنگی زندگی می‌کرده است. این مرد (OTSI Ice Man) ۱۵ خالکوبی دارد. هم‌چنین، در جنازه مومیایی مصری در دستان یکی از کاهنین زن به نام آمونت که قدمتی ۴۰۰۰ ساله دارد، آثاری از خالکوبی وجود دارد (Parry, 2006 : 12).

«تا اواسط قرن بیستم بسیاری از ایرانیان بدن خود را به منظور تزیین یا برای بهبود بیماری یا دور نگه داشتن از چشم زخم خالکوبی می‌کردند و از آثار باقی مانده، مشهود است که خالکوبی در ایران کهن نیز مرسوم بوده است. تندیس‌هایی در پازیریک و لرستان از دوره‌ی هخامنشیان یافت شده است که نشان خالکوبی بر بدنشان بوده است. خالکوبی در ایران بیشتر در نزد زنان، پهلوانان، اوباش جاهل مرسوم بوده است» (کتیرایی، ۱۳۴۵ : ۲۲). اما با توجه به اسناد شفاهی و اشاره‌های غیر صریح که در برخی کتب مربوط به

مباحث تاریخی زیباشناختی بدن شده درمی‌یابیم که اواخر قرن بیستم خالکوبی در بین مردان که مختص طبقه‌ی خاص نبوده‌اند افزایش و در بین زنان کاهش یافته است. حال در دهه‌های اخیر این مسأله بین زنان جوان در ایران با مفاهیم و برداشت‌های متفاوت گسترش پیدا کرده است و حالت مذموم بودن (وجود ورزشکاران و هنرمندان زن که خالکوبی دارند و در مجامع عمومی سعی در پنهان کردن آن ندارند و حتی در شبکه‌های اجتماعی نیز نمایش می‌دهند، وجود خالکوبی زنان با پایگاه‌های اجتماعی مختلف حتی در این پژوهش، خیرها و مقالاتی که در آن جامعه‌شناسان، جرم‌شناسان و انجمن سلامت و بهداشت روان ایران در مورد جرم نبودن و مذموم نبودن این پدیده سخن گفته‌اند.) این کار نیز تا حدود زیادی از بین رفته است.

میشل فوکو: در نگاه فوکو (۱۳۷۸)، بدن مستقیماً درگیر حوزه سیاسی است و روابط قدرت نوعی چسبیدگی بلافصل با آن دارند. روابط قدرت ضمن سرمایه‌گذاری در بدن، مبادرت به نشانه‌گذاری و تربیت آن می‌کند و بدن را برای انجام وظایف و ساطع کردن انواع نشانه‌ها، تحت فشار قرار می‌دهد. فوکو با چنین نگرشی، زمینه‌های تاریخی سلطه‌ی روابط قدرت و انضباط بر بدن را در نهادهای مختلف (مانند زندان) ترسیم می‌کند و بدین ترتیب، توضیح می‌دهد که چگونه از خلال بدن‌هاست که هنجارها و عرف اجتماعی تحقق پیدا می‌کند. بدن، علاوه بر تأثیرپذیری از ساختارهای کلان اجتماعی، می‌تواند به وسیله‌ی "راهبردهای خود"، مستقیماً از سوی دارنده‌ی آن نیز متأثر گردد. «راهبردهای خود» نزد فوکو به روش‌های مختلفی اطلاق می‌شود که از طریق آنها، افراد روی بدن‌هایشان کار می‌کنند تا به حس رضایت برسند. نکته‌ی قابل توجه در این است که تأثیرگذاری افراد بر بدن‌هایشان، خود نیز منبعث از گفتمان‌های غالب اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و... است. در آراء فوکو، «خود»‌های برساخته‌ی اجتماع، به صورت بدنی شده و متجسد هستند. به طور خلاصه، خود، یا همان بود و سوپژکتیویته (امر درونی و ذهنی)، از طریق روش‌هایی حاصل می‌شود که در آنها بدن‌های خود را دسته‌بندی و آنها را مدیریت می‌کنیم و فراتر از آن، به انضباط کشانده و تنظیم می‌کنیم. در چنین وضعی، وقتی که فرد جوان، قدرت اعمال مدیریت اندکی در دیگر موارد دارد، بدنش به عنوان محیط مهمی برای اعمال قدرت به ابزار لذت مبدل می‌گردد. به عنوان مثال، تصویری که یک جوان از استعمال سیگار دارد؛ درکی که از خود، آن‌گاه که مد مخصوص را می‌پوشد؛ یا تصویرش در آینه، هنگامی که از باشگاه بدن‌سازی بیرون می‌آید، برایش لذت‌بخش است. سوراخ کردن گوش و آویختن زیورآلات

و خالکوبی نمونه‌های دیگری از این اعمال قدرت بر بدن‌هاست. در واقع، وقتی روش‌های دیگر اعمال مدیریت، نظیر درگیر شدن در کار دلخواه، دیرباب می‌شود، لذت‌جویی آنی از طریق اعمال مدیریت بر بی‌واسطه‌ترین دارایی، یعنی بدن، فعالیت جدی به شمار می‌رود. (یزدخواستی و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۳۴-۱۳۳)

دیوید لو پرتون: لو پرتون (۱۳۹۲) عقیده دارد بدن انسان، محوری است که با آن، رابطه-ی انسان با جهان بیرونی به واقعیت بدل می‌شود؛ در واقع مکان و زمانی که هستی از خلال تصویر خاص یک کنشگر تجسم می‌یابد. از خلال بدن، انسان ذات حیات را از آن خود می‌کند و این ذات را از طریق نظم‌های نمادین مشترک خود با اعضای جماعتی، برای دیگران نیز به بیان می‌آورد. کنشگر بدین وسیله جهان را به گونه‌ای فیزیکی در اختیار خود می‌گیرد و از آن خود می‌کند. برای این کار جهان را انسانی می‌کند یا از آن هم بیشتر، آن را به پدیده‌ای آشنا و درک‌پذیر حامل معانی و ارزش‌ها بدل می‌کند که تا کنشگر دیگری که در همان نظام استندهای فرهنگی او قرار دارد آن را تجربه کند (پرتون، ۱۳۹۲). هم‌چنین او اشاره می‌کند که « بدن، به نادرست یک پدیده‌ی بدیهی به نظر می‌رسد در حالی که بدن داده‌ای ساده و بدون شبهه نیست؛ بلکه در واقع حاصل یک تبیین اجتماعی و فرهنگی به شمار می‌رود». پرتون در کتاب خود "جامعه‌شناسی بدن"، به نقش‌های روی بدن توجه دارد و معتقد است که نشانه‌گذاری اجتماعی و فرهنگی روی بدن می‌تواند از خلال نوشتار مستقیم جامعه بر پوست کنشگر انجام گیرد. این عمل به شکل نوعی کندن، زخم کردن، تغییر شکل یا افزودن چیزی به پوست ممکن است. شکل دادن‌های نمادین [بدن] امری نسبتاً رایج در جوامع انسانی به حساب می‌آید. نوشتار پوستی به شکل خالکوبی‌های همیشگی یا موقت، آرایش و غیره، تغییر شکل دادن‌های کلی بدن، به گونه‌ای نشانه‌گذاری بدنی به حساب می‌آید که جامعه می‌کوشد به شدت آن را کنترل کند. نوشتارهای بدنی در حقیقت یک نظام خوانش موازی با جایگاه اجتماعی و دقیق تراند که خویشاوندی فرد را به وجود می‌آورند. این نوشتارها، یادآور ارزش‌های جامعه و جایگاه مشروع هر کس در ساختار اجتماعی هستند (همان، ۱۳۹۲).

ژیل دلوز: ژیل دلوز (Gilles Deleuze) با اشاره به مفهوم « اوهام » و مفهوم « رویداد » به بحث بدن می‌پردازد. اوهام فیگورهایی بر سطح بدن انسان‌هاست. آن‌ها مابین سطوح بدن-ها پدید می‌آیند و نوعی « مادیت غیر جسمانی » به وجود می‌آورند. آن‌ها را فقط می‌توان به لحاظ کمی، از طریق کثرتی از نقاط با شدت‌های مشخص معلوم کرد. اصطلاح « وهم » در

تحلیل فروید درباره توهم، در استدلال او درباره‌ی «اختگی توهمی» گرفته شده است. اما اوهم نه خیالات فرویدی‌اند و نه دال‌های لاکانی برعکس، آن‌ها واقعی و مادی‌اند. «فکر» به وجود آورنده‌ی اوهامی است که از پیوست‌هایی اولیه به شیوه‌ای نمایشی برخوردارند. بدن از طریق دهان، اوهام را به عنوان موضوع تفکر بیان می‌کند. رویداد معادل آن این است: «در حال اندیشیدنم». بدن‌ها (و نه سوژه‌ها) نه از طریق مفاهیم، نه از طریق مقولات و نه حتی زبان، بلکه از طریق اوهام فکر می‌کنند. اوهام از دیدگاه دلوز، طی رویارویی ساخته می‌شوند؛ در جایی که جامعه با بدن‌های انسانی تلاقی می‌کند. اوهام، که به واسطه‌ی امر اجتماعی بر بدن انسان حک شده‌اند، نه تنها بر رویدادهای فکری ما که بر اعمال سیاسی و جنسیت ما نیز حاکمند (لش، ۱۳۸۳: ۱۰۳-۱۰۲). بدن نزد دلوز نوعی قلمرو تهی است، که سطح آن به چهار طریق شکل می‌گیرد. به واسطه‌ی هر یک از این طرق، الگویی از شدت‌ها بر بدن حک می‌شود. ابتدا شکل‌ها بر سطح بدن ثبت می‌شوند که معادلند با پاره‌ای از خودم‌اشین‌های میل‌گرا. دوم این که شکل‌ها، از جهان بیرون بر بدن ثبت می‌شوند. این لحظه‌ای است که عنصر سوم پویایی‌شناسی اسکیزوئیدی، یعنی «سوژه» معرفی می‌شود. نوع سوم منطقه‌ی شدت که بدن را در بر می‌گیرد «وهم» است و چهارم اعضای حسی بدن (همان، ۱۳۸۳: ۱۱۰-۱۰۹). از نظر دلوز، بدن محل تقاطع نیروهای لیبیدویی از یک طرف، و نیروهای بیرونی و نیروهای اجتماعی از طرف دیگر است. تأثیر متقابل این نیروهاست که شکل بدن و کیفیات خاص آن را پدید می‌آورد. به نظر من باید دیدگاه زیست‌شناختی نیچه را نسبت به بدن رد کرد؛ تا حدی به این دلیل که ما نمی‌توانیم بدن خود را در چنین وضعی درک کنیم. با این حال، هر نظریه‌ای درباره‌ی بدن باید شامل مجموعه‌ای از مکانیسم‌هایی باشد که بدن با آن خود را بازتولید می‌کند (همان، ۱۳۸۳: ۱۲۰-۱۱۹). بنابراین باز تولید بدن و هویت اجتماعی و فردی در جامعه‌شناسی مدرن و پست مدرن اهمیت والایی یافته است.

وندی چاپکیز: چاپکیز (۱۹۸۶) رشد سریع خالکوبی در بین زنان غربی بر مبنای مؤلفه‌های متمایز جنسیتی و بعضاً درهم را به چالش طلبیدن احساس بیننده نسبت به هویت فردی، سلسله مراتب اجتماعی زنان توجه برانگیز می‌داند. خالکوبی‌ها گزارش‌هایی هستند از جایگاه فرد که طی آن فرد توجهات غیرمنتظره را به خود جذب می‌کند. در واقع خالکوبی نمایش‌نمای دیگری از فرد بوده که مبین هویت جنسی فرد است. چاپکیز معتقد است فمینیسم نزاعی بین رفتار جنسی مورد انتظار و تظاهر نقش جنسیتی ایجاد کرده است.

کنش هایی را در خارج از نقش های عادی جنسیتی مجاز دانسته که خالکوبی (تتو) در زنان راهی در بیان این تفاوت است. انتقاد جنبش فمینیستی - جامعه‌شناختی بر تب زیبایی زنانه بر این جنبه‌ی جسمانی تأکید دارد که زیبایی یک ملاک ارزیابی در زنان است تا مردان مثل هنجارهای زیبایی. زنان با روی آوردن به خالکوبی (تتو) به ویژه با طرح‌های خالکوبی مردانه، نسبت به این ملاک ناعادلانه‌ی ارزیابی واکنش نشان می‌دهند (Chapkis, 1986).

الیزابت ویلسون : ویلسون (۱۹۸۵) با مطالعه‌ی پوشاک در کتاب خود این پرسش را مطرح می‌کند که آیا ما می‌توانیم واقعاً بپذیریم که محدودیت‌ها و مرزهای بدن انسان بدیهی هستند؟ آیا فهم از بدن به پوست منتهی می‌شود یا باید آن را شامل مو و ناخن‌ها و ... بدانیم؟ او معتد است هنرهای تزئین بدن مانند خالکوبی (تتو)، تیغ زنی، تغییر شکل دادن جمجمه و رنگ کردن بدن نیز باید مورد توجه قرار گیرند که نشان دهنده‌ی این هستند که یک تفاوت ناچیز بین تزئین بدنی از یک سو و پوشش بدن از سوی دیگر وجود دارد. در همه‌ی جوامع، بدن دارای پوشش است. در هر جایی لباس و تزئین، نقش نمادین و ارتباطی و زیبا شناختی را بازی می‌کند و همیشه دارای معانی غیر کلامی است. فرم‌های اولیه‌ی پوشاک به نظر می‌رسد کاربرد تزئینی داشته باشند مانند رنگ کردن بدن، آرایش، تیغ زنی، خالکوبی (تتو) و ماسک‌ها. به طور کلی، به نظر می‌رسد که پوشش کاربرد اجتماعی، زیبایی - شناختی و روان‌شناختی دارد. به راستی پوشاک بر همه‌ی این موارد همزمان دلالت دارد. در جامعه‌ی مدرن نیز این مسئله حقیقت دارد (Wilson, 1985: 2-3). البته، در زمان‌های اولیه پوشاک می‌توانست نشانی از اعتراض سیاسی یا ملی مستقیم باشد. برای مثال در قرن شانزدهم، انگلیس ایرلندی‌ها را از پوشیدن لباس محلی‌شان منع کرده بود. در قرن هجدهم بعد از نبرد کالودن و صلح اسکاتلندی‌ها، آنها نیز از انجام همین عمل مشابه منع شده بودند، جلوگیری از پوشیدن دامن مردانه‌ی شطرنجی در قرن نوزدهم می‌توانست نشان‌دهنده‌ی مخالفت گروهی و فردی باشد به خصوص برای مردان، چون لباس معمولی مردان مسأله‌ای مهم و ممنوع شده بود (ibid, 1985: 179-180). بنابراین، تتو می‌تواند از لحاظ زیبایی پوشاک باشد اما بیشتر از همه نشانی از هویت، وابستگی ملی و اعتراضی سیاسی و ملی است.

۴. روش پژوهش

این پژوهش را به روش نظریه داده بنیاد (Grounded Theory) که یکی از راهبردهای پژوهش کیفی است اجرا کردیم. روشی که می‌خواهد از طریق تحلیل نظام‌مند داده‌ها به یک نظریه‌ی

استقرایی در یک قلمرو واقعی برسد (فراستخواه، ۱۳۹۵: ۱۹). در این روش گردآوری داده‌ها و تحلیل با یکدیگر در ارتباط تنگاتنگ‌اند. در این روش پژوهشگر کار را با نظریه‌ای که از قبل در ذهن دارد شروع نمی‌کند؛ بلکه کار را در عرصه‌ی واقعیت آغاز می‌کند و می‌گذارد تا نظریه از درون داده‌هایی که گرد می‌آورد، پدیدار شود (استراوس و کربین، ۱۳۹۵: ۳۴).

مشارکت‌کنندگان در این مطالعه را زنان بین ۱۹ تا ۳۶ سال شهر یزد تشکیل دادند که حداقل در یک بخش از بدن خود نقوشی را خالکوبی کرده بودند. با استفاده از نمونه‌گیری هدفمند به روش در دسترس تعداد ۳۰ نفر که در بخش‌هایی از بدن خود دارای خالکوبی بودند شناسایی کردیم که تعداد ۱۰ نفر حاضر به همکاری نشدند و ما مجبور به چشم‌پوشی از این نمونه‌ها شدیم. داده‌ها با ۱۲ نفر به اشباع رسید. یعنی تا زمانی که دیگر افراد نمونه چیزی به داده‌ها اضافه نکردند و یا آنچه که مطرح می‌کردند در تضاد با دانسته‌های گردآوری شده بود. پژوهشگر خانم (شریعتی‌نسب) نمونه‌ها را در سالن‌های آرایش، مراکز تخصصی لیزر مو، باشگاه‌ها و فروشگاه‌های لوازم آرایشی یافته و هم‌چنین در خلال پژوهش در فرصت‌های پیش آمده با نمونه‌های درگیر در موضوع نیز مصاحبه کرد. در آغاز با گفت‌وگوهای غیر رسمی در مورد خالکوبی که از علاقه‌مندی‌های اکثریت افراد جامعه می‌باشد، خطوط راهنما برای طرح پرسش‌های مصاحبه نمودار شده و سپس پرسش‌های اصلی طراحی را طراحی کردیم. از جمله پرسش‌هایی که از مشارکت‌کنندگان این پژوهش پرسیدیم: ۱. دیدگاه شما در مورد خالکوبی چیست؟ ۲. تعریف زیبایی بدن از دید شما چیست؟ ۳. آشنایی شما با خالکوبی به چه نحوی بوده است؟ ۴. در کدام بخش از بدنتان خالکوبی دارید؟ ۵. این خالکوبی برای شما حامل چه معنایی است؟ ۶. واکنش اعضای خانواده و اطرافیان نسبت به خالکوبی شما چگونه است؟

داده‌های این مطالعه با استفاده از مصاحبه‌ی نیمه ساختمند گردآوری شده است. مصاحبه‌ها به صورت فردی با میانگین ۴۱ دقیقه صورت گرفته است. متن مصاحبه در حین گفت‌وگو یادداشت‌برداری شد که بلافاصله بعد از مصاحبه تکمیل می‌شد. برای تحلیل داده‌ها از روش کدگذاری نظری که مبتنی بر سه نوع کدگذاری باز، محوری، انتخابی استفاده کردیم. برای انجام کدگذاری باز راه‌های مختلف وجود دارد. یکی روش تحلیل سطر به سطر است. این روش با واکاوی دقیق و از نزدیک داده‌ها، عبارت به عبارت و گاه کلمه به کلمه انجام می‌شود (استراوس و کربین، ۱۳۹۵: ۱۴۱). در این پژوهش نیز ما با

تحلیل سطر به سطر متن مصاحبه‌ها واحدهای معنایی را تفسیر کردیم و مفاهیم و مقوله‌های متناسب را ساختیم. در مرحله کدگذاری محوری، هدف از نو کنار هم گذاشتن داده‌های خرد شده برای ایجاد ارتباط بین مقوله‌ها و زیرمقوله‌ها است (همان، ۱۳۹۵: ۱۴۶). در این مرحله هفت مقوله به دست آمد. کدگذاری گزینشی یکپارچه‌سازی و پالایش مقوله‌هاست که اولین گام تعیین مقوله‌ی نهایی (هسته) است. مقوله مرکزی حاصل، همه تحلیل ما را در قالب چند کلمه می‌ریزد از این رو، نیاز به اصطلاح یا عبارت انتزاعی‌تر و مفهومی‌تر است که بتواند تمام مقوله‌ها را دربرگیرد (همان، ۱۳۹۵: ۶۸-۶۵).

برای تعیین اعتبار طرح نظری چندین راه وجود دارد. یک راه مقایسه‌ی آن با داده‌های خام و راه دیگر عرضه کردن آن به پاسخگویان و دریافت نظر آن‌ها می‌باشد. نظریه‌ای که پایه در داده‌ها دارد باید قابل تأیید توسط مشارکت‌کنندگان باشد حتی اگر با همه‌ی وجوه وضع آن‌ها جور در نیاید، اما مفاهیم اساسی‌اش باید در موردشان مصداق داشته باشد (همان، ۱۳۹۵: ۱۸۲). برای اعتبار سنجی طرح نظری خود پس از نوشتن خط سیر داستان با توجه به متن مصاحبه‌ها، مفاهیم و مقوله‌ها و یادداشت‌های پژوهشگر از مشارکت‌کنندگان در پژوهش خواسته شد که آن را ارزیابی کرده و در رابطه با صحت و درستی آن نظر دهند که مفاهیم اساسی داستان به تأیید مشارکت‌کنندگان رسید.

ملاحظات اخلاقی: با توجه به این که اطلاعات موجود در مصاحبه‌ها با زندگی خصوصی زنان مربوط می‌شد، تلاش کردیم رازداری و محرمانه بودن رعایت شود. به این منظور از ذکر نام واقعی مصاحبه‌شوندگان خودداری شده و اطلاعات به دست آمده با استفاده از اسامی مستعار ذخیره شد. قبل از انجام هر مصاحبه‌ای نیز رضایت مشارکت‌کننده به صورت شفاهی اخذ شد. در فرایند گردآوری داده‌ها نیز به منظور فراهم کردن شرایط مطلوب، مصاحبه‌ها توسط نویسنده خانم (شریعتی‌نسب) انجام شد.

۵. یافته‌ها

یافته‌ها نشان داد خالکوبی دیگر هم‌چون گذشته صرفاً مبتنی بر مد و تقلید نیست، بلکه به مثابه‌ی ابزاری برای بیان آنچه که در درون انباشته و امکان ابراز آشکار آن وجود ندارد، یا نمایش فردیت‌های متفاوت، معتبر و خودراهبر است. گاهی خالکوبی برای زنان نوعی زبان اعتراض به کنترل و ساختار انقیادکننده «من مطلوب» است. در این پژوهش با بررسی نقوش حک شده بر بدن افراد مورد مطالعه، از آنها دلایل و انگیزه‌های اقدام به خالکوبی و

این که به دنبال انتقال چه پیام‌هایی هستند پرسیده شد. با توجه به پاسخ‌های مشارکت‌کنندگان در طول کدگذاری باز ۹۳ مفهوم ابتدایی مشخص شد و در مرحله‌ی کدگذاری محوری با ربط دادن ۳۰ مقوله فرعی به یکدیگر در نهایت ۷ مقوله اصلی به ساختیم: استمرار خاطره، بیان خویشتن، بدن هنجارمند، تأثیر همجواری، بخش‌های رؤیت‌پذیر، معنابخشی و منع عرف و سنت. با یکپارچه‌سازی و پالایش مقوله‌ها در کدگذاری گزینشی مقوله‌ی نهایی تحت عنوان « خودتعیین‌گری هنجارشکنانه » پدیدار شد.

جدول ۲- مفاهیم و مقوله‌های مستخرج از مصاحبه‌ها

| مقوله | مفاهیم |
|-------------------|--|
| معنابخشی | همراه بودن، همیشگی بودن، خاطره انگیزی، یادآوری، خاص بودگی، با معنا بودن، کلمه خاطره انگیز، کلمه عاشقانه، نت موسیقی، نماد ماه تولد، فرشته، قلب، نت سیاه موسیقی، ماندلای نیمه، ماه، ستاره، گل رز |
| لذت‌جویی | لذت از بدن، لذت جنسی، لذت از زیبایی، تغییر با هدف لذت، توجه به خود، حس زندگی با خود |
| بیان خویشتن | دوست داشتن خود، کسب اعتماد به نفس، بیان خویشتن، حس رهایی، حس قدرت، بیان جسارت، رسیدن به اوج، انرژی زا بودن، امید دهنده، آرامش دهنده |
| بدن هنجارمند | خوش فرم و ظریف بودن، اندام متعادل، جلب محبت همسر و معشوقه، دیده شدن، کسب محبت، تلاش برای زیباتر شدن |
| تأثیر همجواری | مشاهده دایی، رفتار برادر، خالکوبی پدر، تتوی زن دایی، مشاهده در تلگرام و اینستاگرام، جستجو در اینترنت، تتوی دوستان، کار در آرایشگاه |
| بخش‌های رؤیت‌پذیر | ساعده، کنار دست، مچ دست، کنار انگشتان، بازو، روی سینه، پشت شانه، مچ پا، بالای قوزک پا، ساق پا، باسن |
| منع عرف و سنت | مخالفت پدر مذهبی، مخالفت همسر مذهبی، عرف منع‌کننده، ممانعت سنت‌ها، منع هنجاری، منع اخلاقی و ارزشی |

۱.۵ معنابخشی

انسان در پس هر کنش و واکنش خود در پی معنایی است. یکی از ابزارهای معنابخشی به وقایع و احساس‌ها و علایق انسان خالکوبی است و در عین حال افراد نیز به طرح‌های اجرا شده روی بدنشان معانی خاص و نمادین می‌دهند. انسان برای استمرار خاطره، آنچه که درون را آزرده یا آکنده از سرمستی نموده چون آزرده‌گی اندوهی دیرسال و سرمستی یک دیدار را ثبت می‌کند. همان‌طور که فوکو بیان کرده: « بدن سطح ثبت رویدادهاست » (لش، ۱۳۸۳: ۱۰۴). بدن می‌تواند منبع جسمانی مناسبی باشد برای ثبت و یادآوری آنچه که

انسان می‌خواهد برای همیشه در هر زمان به همراه داشته باشد. داستان‌ها و خاطراتی که با استفاده از نقوشی بر سطح بدن حک می‌شوند منشاء بسیاری از خالکوبی‌هاست؛ در واقع خالکوبی روایتی است از حضور خاطرات تجسم یافته در گذشته و حال و آینده‌ی فرد. ستاره ۲۴ ساله دانشجوی کارشناسی‌ارشد در مورد تتوی خود روی مچ دست راستش این‌طور توضیح می‌دهد:

«تتو برای من یعنی یادآوری، چیزی که می‌خواهی دائم یادت بمونه و همراهت باشه. تتوی من نت سیاه تو موسیقی ست، اولین نتی که یاد گرفتم، چهار ضرب. یعنی زندگی جریان داره. برام یادآور لحظه‌های سخت زندگی‌مه که ازش موفق شدم بگذرم.» علاوه بر کارکرد خالکوبی در استمرار خاطره، آنها همواره بیان‌کننده‌ی معنایی بوده‌اند یا بر آن دلالت داشته‌اند. یک جمله یا تصویر می‌تواند تداعی خاطره یک عشق، درد و رنج نهفته درونی باشد. مینا ۱۹ ساله دانشجوی کارشناسی که روی ساعد دست چپ خود کلمه Belive که باخطی ممتد در انتها به پرندۀ ای در حال اوج می‌رسد در مورد همیشگی و همراه بودن تتوی خود می‌گوید:

«خالکوبی من به معنی کم کم و به تدریج. معنی اون برای من به تدریج و کم کم رسیدن به اوج و پیشرفت در مراحل زندگیه. یه حس رهایی از قید و بند درونی و بیرونی. بهم تو رسیدن به آنچه که می‌خوام انرژی میده. خب این چیزیه که می‌خوام برا همیشه و هر زمان اون رو همراه خودم داشته باشم، می‌خوام با مرور زمان جزئی از من بشه. هر روز که بهش نگاه می‌کنم به یاد بیارم که هدفم تو زندگی چیه»

بنابراین زنان با حک این نقوش و علائم انتزاعی بر بدن خود، تن خود را به کتابی مصور بدل می‌کنند که می‌تواند تاریخ حضور و تعلقات این جهانی‌شان را ورق زنند. برای نشان دادن حزن و اندوه از دست دادن یا پر کردن خلأ شخصیتی یا ترغیب خود به قوی و طوفنده بودن یعنی پیچیدگی‌های زندگی یک خود تجسم یافته در دنیای رنجور متضاد امروز، خالکوبی هم‌چنان کارکرد خود را حفظ می‌کند.

۲.۵ لذت جویی

تجربه خالکوبی می‌تواند حاد و زیبا باشد. لذت از بدنی که زنان از خالکوبی خود عنوان می‌کنند لذت از عمل انتخابی آزادانه دگرگونی است، آن گونه که حس مالکیت بدن و تغییر

شکل معمولاً ماندگار آن، منتهای عصیان علیه جبر زیست‌شناختی و بیان واضح آزادی غمایی برای آنان است.

الناز دانشجوی ۲۰ ساله‌ای که تصویر گل رز مشکی بر انگشت اشاره خود دارد از لذت‌های تتو این گونه می‌گوید:

« به گل رز مشکی کناره‌ی انگشت اشاره‌ی دست چپم تتو کردم به معنی عشق عمیق به من. معشوقه‌ی یکی باشی خیلی لذت‌بخشه... خانواده‌ام موافق نبودند اما بعد راضی شدند. این بدن منه و حق دارم هر طور که میخوام ازش لذت ببرم. تغییر کردن لذت‌بخشه، بدنت رو زیباتر کنی، اون طور که میخوای. ساده بودن بدن خوب نیست. درسته درد داره اما عوضش وقتی خودم رو تو آینه می‌بینم لذت می‌برم از تنوع و تغییری که تو بدنم به وجود اومده.»

اما از کارکرد جنسی خالکوبی نباید غافل شد که از گذشته تا بدین روز کماکان با همان کارکرد و معنا تداوم داشته تنها با این تفاوت که دیگر، نمادهایی که مختص و نشان‌دهنده خدمات‌دهندگان جنسی بود امروزه معنای خود را از دست داده‌اند.

سپیده که ۳۳ سال دارد و مادر دو فرزند می‌باشد در مورد تتویی که بر قسمت پایین‌تنه‌ی بدن خود حک کرده می‌گوید:

« تتو برای من یعنی خودم تعیین کننده هستم که چطور از بدنم لذت ببرم. خواستم به خاطر همسرم و خوشی ایشون تنوعی ایجاد کنم. به نظر من تو مسائل جنسی باید خلاقیت داشت و تنوع ایجاد کرد. لذت بردن و رضایت باید دوطرفه باشه... من طرحای خشن رو دوست ندارم. به همین خاطر یه فیل کوچولوی بانمک رنگی تتو کردم. »

۳.۵ بیان خویشتن

بیان خویشتن نمادی از تمنای درون است برای خودتعیین‌گری و بازسازی هویت ابراز نشده. بیان حس‌رهایی، قدرت، جسارت، امید، دوست داشتن. خالکوبی وسیله‌ای برای ابراز حالتی از خویش، اشتیاق و میلی از خویش، تمنایی از خویش است. برای انسان امروز که یک کثرت در وحدت و هم یک وحدت در کثرت است خالکوبی تصویری دیگر از « او » است. « او » یی که می‌خواهد کمال مطلوب « من » را به نمایش گذارد اما در هر حال تمایز خود را نیز حفظ کند.

ساناز ۲۲ ساله که دانشجوی کارشناسی است در رابطه با تتوی خود می‌گوید:

«روی میچ پای راستم نماد ماه تولدم رو نماد آذر ماه رو تتو کردم. یعنی من یه آذر ماهی جسورم. جسورم چون قسمت میچ پا خیلی حساسه و هر کی نمیتونه دردش رو تحمل کنه. با این تتو خواستم آنچه که هستم رو نشون بدم. شخصیت یه آذر ماهی تو این نماد مشخصه.»

اعظم بانوی ۳۲ ساله ی متأهلی که دغدغهی استقلال و خود بودن را دارد چندین تتوی خاص بر بدن خود حک کرده، یکی از این تتوها جمله ی Stay Storm روی میچ پای راستش می باشد. او در این مورد می گوید:

«تتو یعنی نماد، نمادی از چیزی که هر کس میخواد تثبیت کنه، چیزی را که نمی تونی بگی و به دیگری ثابت کنی. تتو هایی که دارم بهم حس قدرت میده. من خاصم، جسورم، قدرت و توانایی دارم. چرا نداشته باشم چون یه زنم؟ باید منو همون طور که هستم بپذیرند. قوی هستم مثل طوفان. تتوی من یه نوع زبانه، زبان اعتراض»

بنابراین بیان خویشتن، آنگونه که خود می خواهد، انگیزه مهمی برای دستگاری های خالکوبی در بدن است.

۴.۵ بدن هنجار مند

یکی از حوزه های مورد بررسی جامعه شناسی بدن، رابطه ی دیالکتیکی میان بدن فیزیکی و ذهنیت انسانی یا همان تجربه ی پدیدارشناختی یا زیست شده ی دارا بودن یک بدن یا بودن در یک بدن است (Cockerham, 2001: 14). تلاش برای جلب توجهات غیر متظره، زیباتر شدن و دیده شدن از طریق تغییر شکل بدن به دلایل چندی صورت می گیرد از جمله، دستیابی به منزلت اجتماعی، کسب محبت معشوق یا همسر، داشتن جذابیت، تأیید دیگران و بدن یک رابط بین «من» درونی و بیرونی انسان و نمودی از موجودیتی پیچیده در فرهنگ است و از آنجا که جهان اجتماعی پدیده ای جنسیتی است. نقش بدن در این گفتمان باز نمود هویت جنسیتی در قالب فرهنگی و اجتماعی است. در مورد زنان به دلیل قضاوت های اجتماعی، ویژگی های جسمانی آنان رابطه ی مستقیمی با برساخت بدنی هنجارمند دارد که بر جذابیت های جسمانی زنان تأکید دارد. زنان برای دستیابی به این امر شیوه های مختلفی را برای عرضه و مدیریت بدن به کار می برند، از جمله خالکوبی، فعالیت های دشوار برای داشتن اندامی ظریف و زنانه نه برای احساس ارزشمندی بلکه از جهت خوشایند دیگری، دیگری ای که گفتمان مسلط جامعه را تحمیل کرده است.

اشرف ۳۶ ساله در مورد علت تنوی خود و اهمیت نظر دیگران در رابطه با بدنش می‌گوید:

«یه گربه ی سیاه روی ساق پای چپم و یه قلب هم پشت شونه ی چپ توو کردم. گربه نماد نازپروردگیه، قلب هم محبت. راستش بدون اجازه ی همسرم این کار رو کردم. مقابل عمل انجام شده قرار دادم. واکنشش خشتی بود. اما بعد خیلی خوشش اومد. به نظرم توو یا پیرسینگ یا حتی زیبایی های ظاهری مثل کاشت ناخن خیلی توو جلب توجه طرف مقابلت تأثیر داره. تنوع تو ظاهر خیلی خوبه. من خودم به پوست و مو، اضافه وزن نداشتن خیلی حساسم. به نظرم زیبایی بدن یعنی داشتن اندام متعادل، خوش فرم بودن. منظورم یه جور اندام زنونه داشته نه این که یه کیسه استخون باشی. من سعی می‌کنم با ورزش و باشگاه رفتن این کار رو کنم. نظر دیگران نمی‌گم مهم نیست اما نظر همسرم برام خیلی مهمه.»

پریوش ۲۴ ساله دانشجوی کارشناسی ارشد که پشت شانه ی سمت چپ خود تصویر یک پری دریایی با جمله Be happy توو کرده است می‌گوید:

«برای جلب محبت کسی که دوسش داری بدن خیلی مهمه. این که اضافه وزن نداشته باشی الان دیگه یه ویژگی لازم یه ظاهر جذابه. باید اندام متعادل و زنونه داشته باشی باید به ظاهرت برسی مثلاً جواهرات ساده و خاص. توو هم می‌تونه زیبایی باشه هم این که توو رو خاص کنه. توو یعنی طرح خاص که متعلق به منه. این می‌تونه منو خاص و منحصر به فرد کنه.»

البته نکته‌ی جالب تأکید اکثر مشارکت‌کنندگان در این پژوهش، سپری کردن زمان زیاد در سالن‌های آرایش است. این کنش تا حدودی تحت تأثیر آنچه که در شبکه‌های مجازی و تبلیغات صنعت آرایشی و صنعت سینما صورت می‌گیرد اهمیت یافته است به گونه‌ای که زنان آن را جزء ضروری زندگی شخصی و عاطفی روزمره خود می‌پندارند نه یک امر مربوط به بهداشت بدن و هم‌چنین آن تأثیر قابل توجهی بر اعتماد به نفس آنان دارد.

۵.۵ تأثیر همجواران

در گذشته خالکوبی بیشتر برای زنان کارکردهای زیبایی‌شناختی، درمانی و ... داشته و در برخی گروه‌های خاص مردان (پهلوانان، اوباش) نیز دیده شده است. بنابراین با توجه به قدمت خالکوبی در ایران طبیعی است که در میان اعضای اکثر خانواده‌های ایرانی فردی با خالکوبی مختص به خود وجود داشته باشد و می‌توان خالکوبی‌های مذهبی یا عاشقانه‌ای

را بر دست و صورت پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها مشاهده کرد. هر چند این افراد اعضای جامعه سنتی هستند اما در رابطه با آشنایی اعضای جوان‌تر و مدرن جامعه‌ی معاصر با خالکوبی تأثیرگذار است. البته وجود فضای مجازی را نیز در تسهیل پذیرش این مسأله و اشاعه آن نباید نادیده انگاشت. امروزه تلگرام و اینستاگرام در ایران جزء جدایی‌ناپذیر روزمرگی و اندیشه‌ی افراد است. بنابراین تأثیر اعضای خانواده و نزدیکان و فضای مجازی از روش‌های در دسترس و سهل برای آشنایی افراد با خالکوبی است.

اعظم ۳۲ ساله نحوه‌ی آشنایی خود با تتو را این گونه بیان می‌کند:

« بچه که بودم رو دست آقا جونم خالکوبی کبود رنگی رو دیده بودم. یه روز از مادرم در موردش پرسیدم. آقا جونم خدا بیامرز به یاد یه پسرش که نوزاد بوده مرده یادگاری رو دستشون نوشته بودن. »

ساناز ۲۲ ساله دانشجوی کارشناسی طریقه‌ی آشنایی و علاقه‌مندی به تتو را این گونه برای ما توضیح می‌داد:

« پنج سال پیش زن داییم رو پاش تتو کرده بود. یه پروانه خیلی خاص. وقتی دیدم عاشقش شدم. با خودم گفتم حتماً باید تتو کنم. البته یه تتوی خاص. »

مبینا ۱۹ ساله دانشجوی کارشناسی از موارد تأثیرگذار در آشنایی و علاقه‌مندی به تتو را این طور ذکر می‌کند:

«از طریق داییم که یه خالکوبی بزرگ روی بازو داشتن با تتو آشنا شدم. یعنی از بچگی می‌دونستم تتو چیه. ولی از طرح‌های خیلی بزرگ خوشم نمی‌اومد. سال‌ها بعد از طریق تلگرام و اینستا بیشتر با تتو آشنا شدم. طرح‌های فانتزی و ریزی رو دیدم که علاقه‌مندتر شدم. با دیدن این طرح‌ها تصمیمم قطعی شد که یه تتوی خاص خودم که با معنی باشه داشته باشم. »

۶.۵ بخش‌های رؤیت‌پذیر

اکثر خالکوبی‌ها بر بخش‌هایی از بدن حک می‌شوند که قابل رؤیت هستند. این نوع از خالکوبی‌ها نشان‌دهنده‌ی بیان فردیت یا نمودی از « من » مطلوب و این که « این من هستم » می‌باشد. فرد از این طریق به آنچه که می‌خواهد باشد اما هنجارهای اجتماعی و فرهنگی او را از این امر بازداشته، معترض است. نوع دیگری از خالکوبی‌ها که در بخش‌های پوشیده‌ی بدن حک می‌شوند مبین عواطف عمیق و نهانی شخصی است، چیزی که نمی‌-

خواهد با دیگری به اشتراک گذارد اما خواهان یادآوری و همراهی همیشگی آن است که می‌تواند بازتابی از امیال، هراس‌ها و رنج‌ها و سرخوشی‌های تجربه شده باشد. اعظم ۳۲ ساله در پاسخ به این سؤال که در کدام بخش بدنش تنو دارد و دلیل انتخابش این چنین می‌گوید:

« تنوی من یه نوع زبانه، زبان اعتراض به جایگاهم. چون یه زنم همیشه کمتر دیده شدم، این طور دیده میشم. کناره‌ی انگشت شست چپم طرح ماندالای نیمه تنو کردم. روی میچ پای راستم جمله‌ی Stay storm و کناره‌ی انگشت دوم دست راستم کلمه‌ی Queen. تنو یعنی نماد، نمادی از چیزی که هر کس می‌خواود تثبیت کنه، چیزی را که نمی‌توننی بگی و به دیگری ثابت کنی»

زهره ۲۹ ساله که سه فرزند دارد در مورد تنوی خود این چنین می‌گوید:

« از زمانی که شروع به آرایشگری کردم یعنی از وقتی که کلاسای آرایشگری می‌رفتم با تنو آشنا شدم. دلم می‌خواست من هم یکی داشته باشم. وقتی با همسرم در میون گذاشتم خیلی استقبال کرد. طرحش رو هم خودش انتخاب کرد. روی بازوم یه دسته ستاره تنو کردم هر وقت دل‌تنگ باشم نگاهش که می‌کنم آرامش دهنده ست برام. بهم اعتماد به نفس میده. چون خودم رو دوست دارم تنو کردم منظورم اینه که بدنم برام مهمه که خواستم زیباترش کنم و هم این که همسرم از دیدن تنوم خوشحال میشن. حتی ازم خواستن که خودم براش تنو کنم. اون هم تنو داره.»

۷.۵ منع عرف و سنت

اگرچه خالکوبی ریشه در سنن و عرف اجتماعی و فرهنگ دارد، اما با گذر زمان و تمایزیابی‌هایی که در معانی اعمال به وجود می‌آید که می‌تواند به مثابه‌ی طغیان و سرکشی مبتنی بر خودشناسی و هنجارشکنی محسوب شود. در دنیای امروز که فردیت یک امر حیاتی برای هر شخصی است. خالکوبی بیشتر از گذشته بار معنایی ساختارشکنانه و کارکردی مقاومت‌گرایانه به قدر وسع خویشتن فرد پیدا کرده است که با منع عرف و سنت، فرد برای اجرای آن بر بدن مجدتر می‌شود. انسان امروزی در برابر هر نوع کنترل آشکار (هر چند خود خالکوبی نیز نوعی ساختار کنترل‌کنندگی دارد.) معترض است و مقاومت نشان می‌دهد. ممانعت به عمل آمده می‌تواند به دلایل مذهبی، اجتماعی، هنجاری و ارزشی صورت گیرد. البته رویکرد جنسیتی نیز در این ایجاد و ادراک منع‌ها بسی مؤثر است چون

برای مدت‌های مدیدی خالکوبی نشان بزهکاری به شمار می‌آمده است. از این رو، در مورد زنان به خصوص دختران داشتن آن از منظر اجتماع پسندیده نیست.

راحله بانوی ۲۸ ساله می‌گوید :

« همسرم به شدت با تتو مخالف هستن. بدون اجازه‌ی ایشون تتو کردم. اولاش خیلی ناراحت بود، چند روزی هم بحشمون شد اما بعد دید دیگه کاریه که شده و نمیتونه کاری کنه آرومتر شد. من هم همیشه مراقب بودم که کسی تتوم رو نبینه. »

ساناز دانشجوی ۲۲ ساله می‌گوید :

« پدرم خیلی مخالف بود اما از طریق مادرم تونستم موافقتش رو بگیرم . پدرم معتقد بود که عرف اجتماعی تتو رو نه برا دختر و نه برا پسر نمی‌پسندند . می‌گفت آگه هم دوست داری تتو کنی هر وقت ازدواج کردی این کار رو کن. آگه الان تتو داشته باشی شاید طرف مقابل دوست نداشته باشه که همسرش تتو داشته باشه. »

بنابراین مشارکت کنندگان بر این باور بودند که خالکوبی و تتو هنوز در جامعه به عنوان یک امر عادی تلقی نمی‌شود و بویژه خانواده‌ها مخالفت خود را با این کنش فرزند یا همسر خود ابراز می‌کنند. این مخالفت و منع برای دختران دوجندان است.

۸.۵ خودتعیین‌گری هنجارشکنانه

جامعه و خود فرآیندهایی دیالکتیکی‌اند. خود در کنش متقابل با دیگران شکل می‌گیرد، اما در عین حال جامعه مرکب است از افراد گوناگون با خودهای متمایز (دیلینی، ۱۳۹۴: ۲۳۹). خودهای متمایز در پی بازتولید و معناسازی روایت‌های خاص از فردیت‌هایشان نیاز واقعی به آزادی انتخاب را حس می‌کنند. در جامعه امروزی که انسان نه تنها توسط نهادها و گفتمان‌های خاص بلکه توسط خود نیز کنترل می‌شود و در تقابل با ممانعت هنجارهای اجتماعی و سیاسی به سر می‌برد، پس می‌تواند گرایش وافر به بدن و اعمال مدیریت بر آن نشان دهد. در جامعه‌ی ایران این قیدوبندهای ساختاری ریشه‌دار در مورد زنان از سبقه‌ی تاریخی برخوردار است که سبب شده زنان گاهی درصدد فرارفتن از مرز تابوها و هنجارها باشند، حتی اگر نیاز به مقاومت در برابر ارزش‌ها و معیارهای حاکم بر جامعه باشد. زنان مورد مطالعه در این پژوهش خواهان این بودند که از طریق دخل و تصرف در دارایی ارزشمند خود یعنی بدنشان، توانمندی‌ها و کارکردهای اجتماعی و فرهنگی بدن خود را بیان کنند. بنابراین، از طریق خالکوبی در جهت برساخت «من مطلوب» به تغییرات بدنی در

این فرآیند مصورسازی تن می‌دهند. خالکوبی برای زنان نوعی زبان است، زبان اعتراض به دیده نشدنشان و در عین حال بیان خودشان. در واقع، این « من » هنجارشکن است که چگونگی لذت بردن از بدن را تعیین می‌کند؛ لذتی که در اثبات « آنچه که هستی » زن را به مثابه‌ی زن لبریز از شور هستی می‌کند.

۶. بحث و نتیجه‌گیری

بدن امری ست رازواره است. همان طور که برتون (۱۳۹۲) می‌گوید بدن رابطه انسان با جهان بیرون را به واقعیت بدل می‌کند. هنگامی که در جهان بیرون، بدن تحت عناوین گوناگون ساخته شده و شکل می‌گیرد و تا حد زیادی از قدرت‌های علی خود محروم می‌شود (لش، ۱۳۸۳: ۹۰)، این بدن به عنوان بدنی یاغی و طغیان‌گر ابزاری برای مقاومت و تمرد اجتماعی می‌شود. وقتی بدن قربانی نیروهای واکنشی و بهنجارساز می‌شود زبان به اعتراض می‌گشاید. اینجاست که کنش پیش از کلام اهمیت می‌یابد، بدن منفعل، به کنشگری خودتعیین‌گر مبدل می‌شود که علیه هنجارها و مناسبت‌های اجتماعی به پا می‌خیزد و خود تجسم‌یافته را بازتولید می‌کند. این نتایج با پژوهش لیدر (۲۰۱۶) و براون برگر (۲۰۰۰) که نشان دادند که خالکوبی برای زنان فراتر از یک مد موقتی و انقلاب زیبایی شناختی، بیان خلاقانه‌ی خود و اقتدار مسلط بر بدن می‌باشد، همخوانی دارد. هم‌چنان که چاپکیز بیان می‌کند که خالکوبی‌ها گزارش‌هایی هستند از جایگاه فرد که مبین هویت جنسی فرد است و این که زنان با خالکوبی‌های خود به ملاک ارزیابی زیبایی زنانه واکنش نشان می‌دهند.

در بیان اهمیت خود و ابراز هویت می‌توان به یافته‌های پژوهش مان و همکاران (۲۰۱۲)، مهربابی و همکاران (۱۳۹۵) و قادر زاده (۱۳۹۳) اشاره کرد که مبین این است که خالکوبی برای زنان حامل بار معنایی گوناگون است. هم‌چنین در مورد نقوش حک شده بر تن این زنان جوان، چون گذشته نمی‌توان با قطعیت از جنسیتی بودن این نقوش و محل خالکوبی استدلال کرد، لذا تنها بخشی از آنچه که ساندرز (۱۹۹۱) در مورد نقوش خاص زنانه در کتاب خود بیان نموده در این پژوهش نیز تأیید می‌شود که اندازه و حجم کوچک نقوش خالکوبی می‌باشد. به علت محدودیت‌های اجتماعی و فرهنگی در یک جامعه مردسالار، زنان قدرت اعمال مدیریت اندکی در کنش‌های فردی و اجتماعی خود دارند؛ بنابراین بنابر

رویکرد فوکو، بدن به عنوان منبع مهمی برای اعمال قدرت تبدیل می‌شود. خالکوبی نمونه‌ای از این اقدام است و به مثابه‌ی زبان اعتراض علیه گفتمان‌های خاص می‌باشد.

در این پژوهش ما به مقوله‌ی هسته‌ای تحت عنوان « خودتعیین‌گری هنجارشکنانه » دست یافتیم که حاکی از آن است که این « خود » تعیین‌گر می‌خواهد که هویت ضد معیار-مندی را بنیان نهد و از هنجارها فراتر رود؛ بنابراین، از بدن خود استفاده می‌کند تا تسلط بر خود و کنترل بدن محقق شود. همان‌گونه که براون برگر (۲۰۱۲) به طغیان و عصیان زنان با استفاده از حضور بدن و واکنش‌های فرهنگی متقلب‌کننده آنان ایقان دارد.

اکثر زنان مورد مطالعه در این پژوهش از داشتن خالکوبی خود پشیمان نبودند بلکه اذعان داشتند که خالکوبی باید معنادار باشد، یعنی باید معنای خاصی که بیان‌کننده‌ی « من » درون و خاص هر فرد است را حمل کند؛ چون با مرور زمان جزئی از فرد می‌شود یعنی چیزی که برای همیشه متعلق به فرد است. آنچه که این « من » می‌خواهد ثبت شود از اهمیتی برخوردار است که فرد برای عمل به آن در برابر مخالفت والدین و همسر می‌ایستد. دختران در برابر مخالفت والدین موفق به کسب رضایت والدین شده‌اند اما اکثر زنان متأهل بدون کسب رضایت همسر خود این کار را انجام داده و او را در مقابل عمل انجام شده قرار داده‌اند. به نظر می‌رسد اقتدار پدر و مادر و شاید وجود پیوند عاطفی آن‌ها، قوی‌تر و بیشتر از وجود آن بین همسران است.

زنان مشارکت‌کننده بیشتر تمایل داشتند که خالکوبی‌هایشان نمایان باشد. بار معنایی تنوها بیشتر حس‌رهایی و آزادی و لذت‌جویی دارد و حاکی از جسارت و قدرتی است که زن می‌تواند داشته باشد. زنان متأهل بیان نمودند که چه در زمان مجرد و چه بعد از آن رها نبوده‌اند یعنی همیشه شخصی بر آن‌ها حق مالکیت داشته که به آنان هنجارهای مناسب جنسیتی را گوشزد کرده است؛ بنابراین، به نظر می‌رسد که تنوها نوعی زبان اعتراض به هر نوع کنترل یا ساختارهای انقیادکننده است. حتی آنجا هم که برای جلب توجه و محبت همسر یا معشوق خود خالکوبی می‌کنند باز هم بحث توانمندی « من » است که می‌تواند با جسارت و خلاف عرف حرکت کردن، دیگری را با طرحی کوچک جذب خود کند. بنابراین برای ابراز توانمندی، متوسل به تنها دارایی خود یعنی بدن می‌شوند.

زنان مشارکت‌کننده در این پژوهش، دغدغه استقلال هویتی و جنسیتی داشتند به طوری که حتی در انتخاب نقوش حک شده به تعاریف و معانی خاص خود توجه می‌کنند. تأثیر افراد دارای خالکوبی و رسانه‌های مختلف در حد آشنایی آن‌ها و عادی‌سازی تنو باقی

می‌ماند. آنان با تغییر هدفمند بدن در سطح آن، به ویژه در جهت مخالف هنجارهای غالب، در صدد بیشتر خود بودن هستند، چون جلوه‌ی بیرونی آنان به واقعیت درونی‌شان یا آنچه که می‌خواهند باشند، نزدیک‌تر می‌شود. در نهایت این که زنان با منقش کردن بدنشان، تلاش می‌کنند تا روایت مصوری از هویت جنسیتی نوین خود بازنمایی کنند.

کتاب‌نامه

- استراوس، انسلم و کریبن، جولیت (۱۳۹۵). مبانی پژوهش کیفی: فنون و مراحل تولید نظریه زمینه‌ای، ترجمه‌ی ابراهیم افشار، تهران: نشر نی.
- برتون، دیوید (۱۳۹۲). جامعه‌شناسی بدن، ترجمه‌ی ناصر فکوهی، تهران: نشر ثالث.
- بهزادی، رقیه (۱۳۶۸). «خالکوبی از دیرباز تاکنون»، چیستا، ش ۶۲، ص ۱۹۶-۱۸۰.
- دیلینی، تیم (۱۳۹۴). نظریه‌های کلاسیک جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی بهرنگ صدیقی و وحید طلوعی، تهران: نشر نی.
- خاتون، یکتا (۱۳۸۷). «و تنم دفتر نقاشی است.»، گزارش، ش ۲۰۴، ص ۴۶-۴۴.
- صرامی، عارفه (۱۳۹۵). «بررسی تاتو به عنوان هنر در ساختار فرهنگی و اجتماعی معاصر»، پژوهش هنر دانشگاه هنر اصفهان، ش ۱۱، ص ۱۳۵-۱۲۳.
- فراستخواه، مقصود (۱۳۹۵). «روش تحقیق کیفی در علوم اجتماعی با تأکید بر نظریه‌ی برپایه (گراند تئوری)»، تهران: آگاه.
- فکری بارکو سرائی، رضا (۱۳۹۳). «تأثیر سبک زندگی زندانیان بر خالکوبی آنها از منظر مردم‌شناختی»، ش ۱۴۷، ص ۴۹-۴۵.
- قادر زاده، امید و محمد پور، احمد و غلامی، احمد (۱۳۹۳). «خال کوبی و برساخت هویت فردی بازتابنده»، مسائل اجتماعی ایران، ش ۱، ص ۱۸۶-۱۶۱.
- کتیرایی، محمود (۱۳۴۵). از خشت تا خشت، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی.
- لش، اسکات (۱۳۸۳). جامعه‌شناسی پست مدرنیسم، ترجمه‌ی حسن چاوشیان، تهران: مرکز.
- مرادی، علی (۱۳۹۶). «بررسی عوامل جامعه‌شناختی مؤثر بر خالکوبی مورد مطالعه شهر کرمانشاه»، پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی، ش ۱۶، ص ۹۰-۷۳.
- مهرابی، قاسم و رزاقی، محمد ابراهیم و یزدانی، فایزه (۱۳۹۵). «شناسایی انگیزه و دلایل خالکوبی ورزشکاران»، مدیریت ارتباطات در رسانه‌های ورزشی، ش ۱۲، ص ۴۴-۳۵.
- یزدخواستی، بهجت و ربانی، علی و اخلاصی، ابراهیم (۱۳۸۷). «مفهوم بدن در اندیشه فلسفی مریلوپونتی و چالش‌های نظری در قرائت جامعه‌شناختی آن»، معرفت، ش ۱۲۶، ص ۱۳۹-۱۲۹.

- Braunberger, C (2000). Revolting Bodies: The Monster Beauty of Tattooed Women. *NWSA Journal*.12(2):1-23.
- Chapkis, W (1986). *Beauty Secrets*. Boston: South end Press.
- Cockerham, W.C (2001). *The Blackwell Companion to Medical Sociology*. Oxford: Blackwell Publishers.
- Firmin M, Tse L, Foster J, Angelini T. (2012). External Dynamics Influencing Tattooing Among College Students: A Qualitative Analysis. *Journal of College Student Development*. 53(1): 76-90.
- Leader K.(2016). On the book of my body: Women, Power, and Tattoo Culture. *Feminist Formation*. 28(3): 174-195.
- Mun M.J, Janigo A.K, Johnson P.K.K.(2012). Tattoo and the Self. *Clothing and Textiles Research Journal*. 30(2): 134-148.
- Parry A. (2006). *Tattoo: Secrets of a Strange Art*. New York: Dover Publications.
- Sanders C.R (1991). Memorial Decoration: Women, Tattooing, and the Meaning of Body Alteration. *Michigan Quarterly Review*. 30(1): 146-157.
- Sanders, C., & Vail, D. A. (2008). *Customizing the body: The art and culture of tattooing*. Temple University Press.
- Santos X. (2009). The Chicana Canvas: Doing Class, Gender, Race, and Sexuality through Tattooing in East Los Angeles. *NWSA Journal*.21(3): 91-120.
- Taliaferro, Charles and Mark Odden (2012). "Tattoos and the Tattooing Arts in Perspective." *Tattoos: philosophy for everyone: I ink, therefore I am*. Ed. Robert Arp. MA: Wiley-Blackwell.
- Turner S.B.(2008). *The Body and Society*. Sage
- Wilson E.(2003). *Adorned in Dreams: Fashion and Modernity*. London: I.B.Tauris & Co Ltd.